

خبر

این مرد چگونه در موسیقی ایران رنسانس ایجاد کرد؟

با فضایی که از سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ وجود داشت و از هر سو به موسیقی سنتی ایران حمله‌های ناجوانمردانه می‌شد، استادان بزرگ، خانه‌نشین شدند و در چنین دوران سختی «مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران» طرح‌ریزی و بعد از مدتی تأسیس شد.

به گزارش ایسنا، ۲۷ فروردین‌ماه‌سالروز درگذشت داریوش صفوت است؛ یکی از شخصیت‌هایی که برای پیشرفت این مرکز زحمت فراوانی کشید. داریوش صفوت در سال ۱۳۰۷ در شیراز متولد شد و تعلیم‌س‌تار را نزد پدرش (علی‌صغر صفوت) آغاز کرد که به‌دلیل نشست و برخاست پدرش با اهالی هنر، او افتخار شاگردی حبیب سماعتی را پیدا کرد و در ۱۶ سالگی (سال ۱۳۲۳) نزد او رفت و سنتور را نزدش آموخت. پس از مدتی یعنی از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ داریوش صفوت نزد استاد محمد ایرانی‌مجرد رفت تا گوشه‌ها و ردیف‌های آواز ایرانی را فرا گیرد. در سال ۱۳۳۲ به اخذ مدرک لیسانس حقوق از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران نائل شد.

او در اواخر سال ۱۳۳۹ برای تدریس به مرکز مطالعات موسیقی شرقی در انستیتوی موسیقی‌شناسی سوربن به فرانسه رفت. در اولین بازگشتش به ایران در سال ۱۳۴۲ ازدواج کرد و برای تکمیل تحصیلات و تحقیقاتش دوباره به فرانسه بازگشت. در سال ۱۳۴۴ از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه پاریس، مدرک دکتری را در حقوق بین‌الملل گرفت و در همین سال به ایران بازگشت. زمانی که صفوت در مرکز مطالعات موسیقی شرقی پاریس تدریس می‌کرد، یکی از آرزوهایش ایجاد مرکزی در ایران در راستای حفظ و تقویت موسیقی اصیل ایرانی بود. این تفکر صفوت باعث شد که در سال ۱۳۴۷ یکی از مهم‌ترین پروندها برای موسیقی اصیل ایرانی رقم بخورد. او با گرد آوردن برخی از استادان بنام موسیقی ایرانی مانند نور علی‌خان برومند، سعید هرمزی، عبدالله‌خان دولمی، محمود کریمی، یوسف فروتن و … توانست گروهی از هنرجویان نخیه را پرورش و تحویل جامعه‌ی موسیقی دهد.

آن زمان رواج موسیقی باق را دایو و تلویزیون باعث گوشه‌نیشینی استادان بزرگ موسیقی شده بود، صفوت با بنیان‌گذاری مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی در گسترش موسیقی اصیل ایران و پرورش موسیقی‌دانان جوان سهم بسزایی داشت. در این مرکز دستگاه‌ها، گوشه‌ها، ریزه‌کاری‌ها و رموز موسیقی سنتی، به‌جوانان شیفته و بااستعداد آموزش داده می‌شد. جوانانی که یا از دانشکدهٔ هنرهای زیبا در رشته‌ی موسیقی لیسانس داشتند یا در گوشه‌لیسنسه شدن بودند و در دانشکده ردیف‌ها را نزد نورعلی برومند و داریوش صفوت فراگرفته بودند، در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی نزد او دو و استادان دیگر این مرکز، به تکمیل و توسعه‌ی دانش موسیقی خود پرداختند.

در جمله این شاگردان می‌توان داود گنجه‌ای، عبدالحمید کیانی، ناصر فرهنگ‌فر، جلال ذوالفنون، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، داریوش طایی و رضا شفیعیان را نام برد. هنرمندانی مانند داود گنجه‌ای، جلال ذوالفنون، محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان، مجید کیانی، محمدرضا شجریان، علی‌اکبر سنکراچی، حسین علیزاده، داریوش طایی، محمدرضی کیانی‌نژاد، داریوش پیرنیاکان، نورالله رضوی سروسناتی، محمدرضی حدادیان، مرتضی‌اعیان، مرحوم عشقی و … از جمله چهره‌های شاخصی هستند که دوره‌های آموزشی و پژوهشی خود را ابتدا در این نهاد آغاز کردند و سپس راهشان را ادامه دادند. خیلی از هنرمندان معتقدند که تشکیل این مرکز، رنسانس نو در موسیقی ایرانی ایجاد کرد و باعث شد روند آموزش موسیقی ایرانی در جامعه به جریان بیفتد.

صفوت ساعت ۱۰ دقیقه‌ی یامداد روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۲ در تهران و در خانه‌اش دنیا را ترک کرد. یکپرش در آرمانستان بهشت سکنیه به خاک سپرده شد.

فاطمه واعظی معروف به (پریرسا) که مدت زیادی نزد صفوت شاگردی کرده است، پس از درگذشت استادش در سخنانی گفت: ارسطوی موسیقی اصیل ایران را از دست دادیم. موسیقی از دیدگاه او تنها صوت، ملودی و ردیف نبود. موسیقی برای او ابزاری برای توجه به عالمی دیگر بود؛ ابزاری برای در خود فرو رفتن و تزکیه نفس.



سیاوش چراغی‌پور که در اغلب کارهای سروش صحت با این کارگردان همکاری دارد، از همکاری برای ساخت یک سریال جدید خاب داد.

چراغی پور که در فصل جدیدسریال «زیرخاک» حضور داشت، در گفت‌وگویی با ایسنا در پاسخ به اینکه فیلمنامه این سریال تا چه میزان متفاوت بوده و آیا لازم بود فصل جدید آن ساخته شود؟ گفت: «زیرخاک» یکی از اتفاقات خوب تلویزیون و به نوعی یزئد محسوب می‌شود. خوشحالم که برای فصل چهارم آن دعوت شدند و برای سامان کارگردان باهوش، توانا، نکته‌سنج و ریزبین هستند و برای من به عنوان بازیگر نقطه قوت بود که زیر دربین نگاه ایشان بازی کنم و نقشی که داشتم پاتمک و جذاب بود. من در این فصل نقش هنرور سینما را ایفا کردم که در یک فیلمی بازی کردم و آن نقطه اتصال من به خانواده فریبزیر باغ میشه و من تا آخر قصه بودم.

فیلمنامه نقطه‌قوت «زیرخاک»

این بازیگر دربارهی خروجی سریال «زیرخاک» که حالا به فصل چهارم رسیده است، اظهار کرد: خیلی از مواقع کارهایی که ساخته می‌شوند، وقتی وارد مردم او و سه می‌شوند، فیلمنامهٔ آفت مشهودی پیدا می‌کند و نقطه ضعف کار می‌شود و دیگر برای مخاطب جذابیت ندارد. به نظر من نقطه قوت این سریال، فیلمنامه و لوکیشن‌های آن بود؛ به‌نحوی که از دایرهٔ محدود فیلمنامه‌های وسیع‌تر شده بود و موقعیت‌های طنز و کمیکِ سر راه همه این شخصیت‌ها قرار می‌گرفت. فکر می‌کنم فصل چهارم بعد از فصل اول، بهترین باشد.

اگر موسیقی اقوام و ملل جهان را به طور جزئی‌تر بررسی کنیم، درواheim یافت که کشورهای هم‌جواری که در یک قاره یا منطقه قرار دارند، دارای مشابَهت‌های بیشتری هستند. آسیا نمونه بارز این تعاملات هنری و فرهنگی در طول تاریخ است که خروجی آن را باید سازها و نواهایی دانست که گاه در موسیقی کشورهای چوِن ایران، ارمنستان، افغانستان، هند، پاکستان، عراق شنیده شده‌اند. اما بارزترین موضوع در این زمینه موسیقی مقامی و سازهای آن است. از سوی دیگر زبان فارسی یکی دیگر از وجوه مشترک میان ایران و کشورهای هم‌جوار است که این مورد هم شباهت‌هایی را در نوع موسیقی کشورها رقم زده است. مخاطبان ایرانی شاید کمتر با کنسرت هنرمندان کشورهای همسایه مواجه شده‌اند و باید گفت تنها رویدادی که به چنین تعاملاتی می‌انجامد، جشنواره موسیقی فجر است که هر سال چند گروه خارجی را به کشور دعوت می‌کند.

در جشنواره بین‌المللی فجر، دوره سو و نهم ابرار زوفاروف یکی از مقام‌دان‌ها و مقام‌خوان‌های کشور ازبکستان به ایران آمد و به اجرای قطعاتش پرداخت. ابرار زوفاروف نوازنده دو ساز تنبور (مدل ازبکی) و ساَون است. او خواننده و ردیف‌دان است و در موسسه موسیقی ملی ازبکستان تدریس می‌کند. ابرار زوفاروف به مناسبت حضورش درایران و اجرایی که در جشنواره موسیقی فجر داشت، با ایلنا گفتگو کرد. او تا به امروز در کشورهای چوِن هلند، فرانسه، ترکیه، تایلوان، آمریکا، عمان، فنلاند و استون کنسرت برگزار کرده است.

● چه شد که با به عرصه موسیقی گذاشتید و تنبور و ساَون را به عنوان سازهای اصلی برگزیدید؟
◀ من در خانواده‌ای هنرمند و فرهنگ دوست به دنیا آمدم و بزرگ شدم و خب این بزرگترین دلیل برای پیوستن من به موسیقی است. پدر من علاوه بر اینکه نوازنده بود، سازنده سازهای زهی بود. پدر بزرگم نیز چنین حرفه‌ای داشت و تنبور و ساَون دو تار می‌ساخت. علاوه بر اینکه پدر بزرگم یکی از هنرمندان مطرح نسل خودش است که در نوازندگی تنبور، ساَون و دو تار تبحر داشته و زبان‌زاد بوده است.
● آیا موسیقی سنتی و دستگاهی ازبکستان به صورت سینه به سینه آموزش داده می‌شود؟
◀ بله. اما من علاوه بر اینکه در کودکی موسیقی را فرا گرفتم در هنرستان‌م تخصص تحصیل کردم، در ادامه هم به دانشگاه موسیقی ازبکستان رفتم و موسیقی خواندم. اما اینکه می‌گویید درست است و به گمانم موسیقی محلی ایران هم بر همین اساس به نسل‌های قبل منتقل می‌شود. موضوع این است که برای نگهداری بهتر از موسیقی‌ها و مقام‌ها و آیین‌ها بهتر آن است که آثار قدیمی نت‌نگاری شوند. به این ترتیب این آثار نوازندگان محلی هم به یادگیری آکادمیک موسیقی روی خوش نشان می‌دهند. اینکه هنرمندان محلی سواد آکادمیک و دانشگاهی داشته باشند به کم و کیف فعالیت آنها در قالب درست، کمک شایانی خواهد کرد.
● اینطور بگویم که نت‌نگاری آثار محلی در سراسر جهان به بقاء بدون تحریف آنها کمک بسیار خواهد کرد.
● در ایران اینگونه است که موسیقی دستگاهی در دوران مختلف تاریخی به واسطه وجود افراد موثر و هنرمندان خلاق در بخش‌های‌سازی و آوازی دارای مکتب شده است. موسیقی ازبک هم چنین قاعده‌ای دارد؟
● بله مکتب‌های‌سازی و آوازی در موسیقی ازبکستان نیز در بخش‌های‌سازی و آوازی مکتابی شکل گرفته است. «یوراخون سلطاتفوف»، «اوروف خاتموف»، «حاجی عبدالعزیز»، «عبدالرسولوف»، «وی سوبخو رجبی»، «رسولقروی محمدعلیف»، «وی بایاخانف»، «دوماله حلیم ایوبدوف» و «عامه حافظ» هنرمندان ازبکی هستند که در موسیقی صاحب سبک محسوب می‌شوند و به نوعی دارای مکتب هستند.

واکنش رامبد جوان به «دشمن خدا»

رامبد جوان، در شب افتتاحیه نمایش «دُشمن خدا» به تماشا‌ی این اثر نمایشی نشست و گفت: با دیدن این نمایش با عشق از ته دلم خندیدم.

به گزارش ایسنا، نمایش «دُشمن خدا» به نویسندگی عمادالدین رجبلیو و کارگردانی مجید عراقی دور سوم اجرای خود را شب‌گذشته (یکشنبه ۲۶ فروردین) با حضور رامبد جوان (بازیگر و کارگردان سینما، تئاتر و تلویزیون ایران) و آرش نوذری (بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون ایران) در تئاتر هامون آغاز کرد.

گروه نمایش «دشمن خدا»، در پایان اجرای این اثر نمایشی و در جمع مخاطبان اعلام کردند که این نمایش را به رامبد جوان برای امیدها و خنده‌هایی که به مردم این سرزمین بخشیده، تقدیم می‌کنند.

رامبد جوان که هممان شب اول این اثر نمایشی بود، روی صحنه آمد و گفت: «حتما و حتما باید تئاتر کار کرد؛ ما که کار کمدی

«ابرار زوفاروف» وازنده و خواننده اهل کشور ازبکستان مطرح کرد

ساز و فرهنگ دو مقوله مشترک در موسیقی ایران و ازبکستان

از گذشته‌های دور تاکنون همجواری کشورها در سراسر جهان، مولفه‌های مشترکی را رقم زده است. یکی از مهمترین موضوعات که همواره در این زمینه دستخوش تغییر و تکمیل شده فرهنگ و هنر است. حال اگر جزئی‌تر بنگریم درخواهیم یافت که شکل‌گیری موارد مشترک در هنرهای با قدمت‌تر، بیشتر و عمیق‌تر رخ داده است. موسیقی یکی از همین هنرهاست که آن را باید با قدمت‌ترین هنر تاریخ دانست.



خود را شروع کردم. در همان سال و در سال ۲۰۰۵ برای اجرای کنسرت به کشور هلند رفتم. یک سال بعد در سال ۲۰۰۶ فرانسه اجرا داشتیم که این اتفاق دو سال بعد هم تکرار شد. تایلوان کشور دیگری است که به سال ۲۰۰۸ در آنجا کنسرت برگزار کردم. در سال ۲۰۱۲ هم در آمریکا کنسرت برگزار کردم. عمان، فنلاند و استونی هم دیگر کشورهایی هستند که به سال ۲۰۱۵ در آن‌ها کنسرت گذاشتم
● از سازهای مهم و مرسوم در ازبکستان بگویید.
● «دمبره» یا «تنبور»، «دوتوری» یا دوتار، «گیچک» یا همان قیچک که به ساز کمانچه ایرانی‌ها شباهت دارد، «روپاب» که شما ایرانی‌ها آن را نام ریب‌ای می‌شناسید. «چانگ» هم همان چنگ است که در ایران باستان هم مورد توجه هنرمندان بخصوص درایران بوده است. «قوشانی» هم ساز دیگر خاص است که ظاهرا شبیه کلارینت است اما جنس آن چوبی است و ادواتی بادی محسوب می‌شود. «کارنای» هم ساز دیگر ماست که دارای لوله‌ای بلند است و نوازنده در آن می‌دمد.

● تمامی سازهایی که نام بردید به لحاظ ساختار شبیه سازهای ایرانی هستند. مثلا کارنای شما به کرنا‌ی ایرانی شبیه است که در چهارمحل بختیاری و دیگر شهرها نواخته می‌شود.
● درست است و خب شباهت در موسیقی‌ها را همین سازها ایجاد می‌کنند چون به هر حال صدا دهی‌ها یکی است یا لاقل شبیه است.
● آیا تشابه مقام‌های موسیقی ازبکی با موسیقی ایرانی موضوعی قابل بحث است؟

● در هر حال ایران کشوری بسیار با قدمت است و هنر با هویتی دارد. مطمئنا مردمانی خوب و هنر دوست می‌توانند این قدمت را حفظ کنند و هنر ایرانی‌ها بخنین اسنان‌هایی هستند. کشورتان را بسیار جالب دیدم و از هممان‌نوازی مردم خوب ایران لذت بردم. اما خب نتوانستم به دیدن اجرای آثار ایرانی و غیر ایرانی در جشنواره فجر بروم؛ به این دلیل که زمان‌های فشرده بود. امیدوارم اگر بازهم به کشور ایران و جشنواره موسیقی فجر آمدم این فرصت دست دهد که کارهای ایرانی‌ها را هم بینم و بیش از قبل با موسیقی سنتی و دستگاهی و مقامی شما آشنا شوم.

● چه عنوان سواَل آخر بگویید که کشور ایران را به گونه‌ی دیدید؟

● ما که باید قضاوت کنیم که چه کسی دروغ می‌گوید؟ عمادالدین رجبلیو (مشاور کارگردان)، عطیه جنگی، سپیده‌دريا صادقی (دستیار کارگردان)، مجید عراقی (طراح نور و لباس)، موسی‌الرضا مازندرانی (مدیر صحنه)، عطیه جنگی (منشی صحنه)، سمیرا سراجھی (طراح صحنه)، آنتونیو سانچز (موسیقی انتخابی)، آرشام آریانی و آروین آریانی (تدارکات)، پوریا خوش‌بین و احمد مدیری (دستیاران تهیه)، شهریار مکاری و آَرین دباغی (ساخت‌تیزر و منتریا ل تبلیغاتی) و علی کیهانی (مشاور رسانه‌ای) دیگر عوامل نمایش «دشمن خدا» هستند.

این اثر نمایشی در دور اول اجرای خود در عمارت نوفل‌لوشاتو و در دور دوم در سالن قشقایی تئاتر شهر روی صحنه رفت که در مجموع با ۴۰ اجرا توانست بیش از سه‌هزار مخاطب داشته باشد. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت این اثر نمایشی که هرشب ساعت ۱۹:۳۰ روی صحنه می‌رود، می‌توانند به سایت نیوال مراجعه کنند.

فرهنگ و هنر

خبر

اعتصاب غذا برای مقابله با گردشگران!

ساکنان جزایر قناری در اسپانیا به طور فزاینده‌ای نسبت به عواقب گردشگری انبوه اعتراض دارند و حتی تعدادی از فعالان دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

به گزارش ایسنا، حدود ۲۰ سامان با شعار «جزایر قناری به زودی فرسوده خواهند شد» در پویش جلوگیری از حضور بیش از حد از گردشگران به این جاذبه توریستی پیوسته‌اند و فعالان به طور فزاینده‌ای ناراضیاتی خود را از افزایش گردشگری انبوه ابراز می‌کنند و از دولت محلی می‌خواهند اقداماتی را برای محدود کردن تأثیرات منفی آن اتخاذ کند.

در این راستا عده‌ای از اواخر هفته گذشته در مقابل کلیسای «La Concepción» در لا زده‌اند. همچنین قرار است ۲۰ آوریل تظاهرات گسترده‌ای در جزایر قناری برای مقابله با حضور بیش از حد گردشگران برگزار شود. به گفته بسیاری از ساکنان، افزایش تعداد بازدیدکنندگان از این منطقه در سال‌های اخیر به طور سرسام‌آوری افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۹ پیش از آغاز همه‌گیری کرونا، ۱۳.۱ میلیون مسافر بین‌المللی از جزایر قناری بازدید کردند. سال گذشته، ۱۴.۲ میلیون بازدیدکننده خارجی به این منطقه سفر کردند که با احتساب بازدیدکنندگان اسپانیایی، این رقم به ۱۶.۲ میلیون نفر می‌رسد که بیش از ۱۳ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۲ و بیش از ۶ درصد بیشتر از قبل از کروناست.

علاوه بر این، ساکنان محلی از گردشگری انبوه به عنوان عامل آسیب‌های زیست‌محیطی، ترافیک، انزحام زحمی است که از بازار مسکن خارج می‌کند یا گردشگران یا کارآفرینان در بخش گردشگری مبارزه نمی‌کنند. آنها برای لغو محلی می‌خواهند که با عواقب گردشگری انبوه مقابله کند. به عنوان مثال، آنها به صدها خانه‌ای اشاره می‌کنند که از بازار مسکن خارج شده‌اند زیرا مالکان آنها را با پول بیشتری در پلت فرم‌های اجاره توریستی پیشنهاد می‌کنند. این امر منجر به کمبود در بازار مسکن و در نتیجه افزایش اجاره بها در این منطقه شده است.

علاوه بر این، ساکنان محلی از گردشگری انبوه به عنوان عامل آسیب‌های زیست‌محیطی، ترافیک، انزحام زحمی است که از بازار مسکن خارج می‌کند یا گردشگران یا کارآفرینان در بخش گردشگری مبارزه نمی‌کنند. آنها برای لغو محلی می‌خواهند که با عواقب گردشگری انبوه مقابله کند. به عنوان مثال، آنها به صدها خانه‌ای اشاره می‌کنند که از بازار مسکن خارج شده‌اند زیرا مالکان آنها را با پول بیشتری در پلت فرم‌های اجاره توریستی پیشنهاد می‌کنند. این امر منجر به کمبود در بازار مسکن و در نتیجه افزایش اجاره بها در این منطقه شده است.

علاوه بر این، ساکنان محلی از گردشگری انبوه به عنوان عامل آسیب‌های زیست‌محیطی، ترافیک، انزحام زحمی است که از بازار مسکن خارج می‌کند و بهداشتی و دفع زباله پدمی می‌کنند.

فعالان همچنین خواهان توقف ساخت و ساز برای هتل‌ها و زمین‌های گلف، وضع مالیات یک‌شبه (همانطور که مدتی است در جزایر بالئاریک و بارسولونا اتفاق افتاده است) و مقررات بهتر در مورد اجاره خانه‌ها به مسافران و شدن از دولت خواسته‌اند از تنوع بخشیدن به اقتصاد با تأکید بیشتر بر صنعت و کشاورزی به منظور کاهش وابستگی به گردشگری حمایت کند.

بخش گردشگری در این جزایر از اهمیت بالایی برخوردار است. گردشگری در جزایر قناری ۳۵ درصد به تولید ناخالص داخلی منطقه کمک می‌کند و ۴۰ درصد از اشتغال جمعیت محلی را به خود اختصاص می‌دهد.

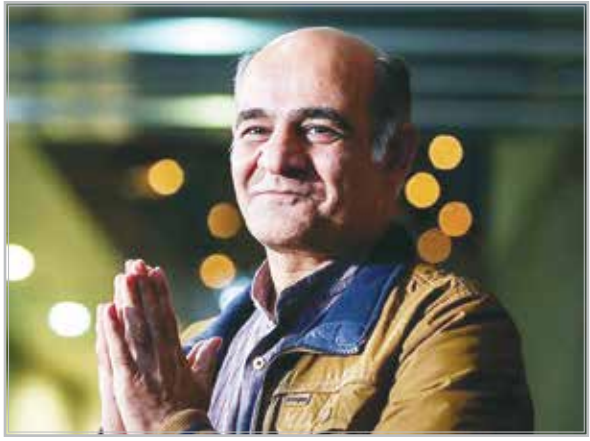
گردشگران) علاوهبر ایجاد شرایط نامناسب برای مردم محلی باعث آلودگی و آسیب به مقاصد مکان‌های دیدنی شده و چندین کشور و شهر در حال اجرای تدابیری علیه این موضوع هستند. شهر سن سباستین اسپانیا نیز پیش‌تر اعلام کرده قصد دارد ساخت هتل‌های جدید و اقامتگاه‌های مسافران را ممنوع کند. این مقررات برای ترویج استراتژی گردشگری پایدارتر اجرایی می‌شود.

سال گذشته، آمستردام نیز یک کمپین تبلیغاتی برای جلوگیری از حضور افراطی گردشگران و سروصدای آن‌ها راه‌اندازی کرد. در فرانسه نیز در مکان‌های محبوب همچون جاذبه‌های پارک ملی کلونک محدودیتی برای تعداد گردشگران در نظر گرفته شده است.

وینز در ایتالیا نیز با پدیده حضور بیش از حد گردشگران روبه‌رو است و شمار روافزون توریست‌ها موجب افزایش هزینه‌های زندگی برای بومیان و آسیب به بافت تاریخی این شهر شده است. پنج سال پیش، وینز دارای ۶۷ هزار ساکن دائمی بود و اکنون از این تعداد تنها ۵۰ هزار نفر باقی مانده است. در حال حاضر، زندگی در وینز تنها ۲۰ درصد ارزان‌تر از زندگی در نیویورک است.

شهرداری وینز اعلام کرده سیستم جدیدی را برای گردشگری اعمال کرده است که شامل فرآیند رزرو و همچنین ایجاد درهای ورودی برای این شهر و دریافت ورودی از گردشگران می‌شود.

دل برنامه‌هایی که کم و زیاد دیدم، «کوک شو» برنامه‌ای است که به پیوند و آشتی خانواده‌ها و پدر و مادرها با هم کمک می‌کند. ما باید این پیوند و آشتی را بیشتر کنیم. امتیازی که «کودک شو» دارد همین پیوندی است که ایجاد کرده و این رابطه را عمیق‌تر کرده است. به همین دلیل من هم پذیرفتم که به این برنامه بیایم و بتوانم سهم کوچکی داشته باشم.



سیاوش چراغی‌پور؛ از «زیرخاک» تا سریال جدید سروش صحت

کار را نکردند؟! باید به هر قیمتی با هر هزینه‌ای این کار را می‌کرد. چون تلویزیون خواست مردم است و باید در راستای اهداف مردم باشد. روزی نیست که چند سکانس از این سریال به گوش من نیاید. مردم به من می‌رسند، می‌گویند که سریال را دالان کرده و چندباره می‌بینند و حالشان خوب می‌شود. خب، تلویزیون، از این بهتر چه می‌خواهی؟! خیلی خوشحالم که در این کار بومم و به نظرم این همکاری را برای حق سروش صحت پربرکت‌ترین همکاری بود.

در اغلب برنامه‌های کودک کمتر تکرر می‌شوند.

این بازیگر که چندی پیش در برنامه «کودک شو» حضور داشت، با اشاره به تولید برنامه‌های تخصصی در حوزه کودکان معتقد است: به نظر من بالاترین دقت تولید برنامه‌سازی باید در حوزه کودکان باشد. برای اینکه بچه‌ها آینده‌سازان کشور هستند. ما باید بتوانیم برنامه‌های شاد مفرح و آموزشی درست برای آنها ایجاد کنیم و در رشد و ارتقاء آنها خیلی موثر باشیم. واقعیت این است که سهم تلویزیون در این زمینه بسیار کم بوده است و انتظاری که ما از تلویزیون در برنامه‌سازی برای کودکان و نوجوانان داریم، برنامه‌سازی درست کارشناس شده و برنامه‌سازی است که با متخضمان تربیت و آموزش کودکان مشابه شده باشد؛ در حالی که غالب برنامه‌های تلویزیونی با احترام به عزیزاتی که تلاش می‌کنند، برنامه‌های کمتر فکرشده هستند و برنامه‌هایی نیستند که عمق داشته باشند. ما الان با بچه‌هایی روبه‌رو هستم که می‌توانند، دربارهی چدیدترن مسائل پیرامونشان بحث کنند؛ بنابراین خیلی کار سخت و سنگینی است. در

^[1] سیاوش چراغی‌پور که در اغلب کارهای سروش صحت با این کارگردان همکاری دارد، از همکاری برای ساخت یک سریال جدید خاب داد